



## تشریح کلیات عملیات بیت المقدس

### سردار سر لشکر سید یحیی صفوی

تنظیم: محمد فردی\*

<p>عصر جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ و هم‌زمان با سالروز عملیات غرور آفرین بیت المقدس، سرلشکر دکتر سید یحیی صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران و دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در امور مربوط به نیروهای مسلح، در دومین دوره انتقال فرهنگ و تجربیات فرماندهی دفاع مقدس در جمع دانشجویان دافوس دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> در سالن اجتماعات راهیان نور میثاق آبادان به تشریح عملیات بیت المقدس از جمله اهداف عملیات، استعداد قوای خودی و دشمن، موقعیت جغرافیایی منطقه عملیات، سازمان قرارگاهی، مانور، نحوه اجرا و نتایج و دستاوردهای این عملیات پرداخت. سرلشکر صفوی در پایان این جلسه به سؤالات دانشجویان در خصوص نحوه استفاده از تجربیات دفاع مقدس در مواجهه با جنگ‌های نیابتی و جنگ‌های آینده و همچنین تجربه عملیات مشترک سپاه و ارتش در پیروزی‌های کسب‌شده در جبهه‌ها پاسخ گفت.</p> <p>واژگان کلیدی: سیدیحیی رحیم‌صفوی، انتقال تجارب، تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، عملیات بیت المقدس، دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>.</p>	<p style="text-align: center;"><b>چکیده</b></p>
---	---

### اهداف عملیات بیت المقدس

سرزمین‌های اشغالی انجامید، عملیاتی برای آزادسازی

خرمشهر و رسیدن به مرز بین‌المللی داشته باشیم.»

سرلشکر صفوی در خصوص طرح‌ریزی عملیات بیت المقدس، منطقه [ایستگاه حسینیة] را قلب عملیات نامید که با تصرف آن عقبه لشکر ۶ زرهی عراق و ۵ مکانیزه بسته می‌شد و از آن منطقه می‌توانستیم به سمت شلمچه آمده، عقبه لشکرهای ۳ زرهی و ۱۱ پیاده عراق را ببندیم. یعنی این قدرت طرح‌ریزی را می‌رساند که عراقی‌ها نفهمند که ما چه کار می‌خواهیم بکنیم.

مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا که از دوران پیش از انقلاب و دوران دفاع مقدس با نام مستعار "آقا رحیم" شناخته شده است، با گرامیداشت عملیات بزرگ بیت المقدس اظهار کرد:

«در والفجر ۸ یا برخی عملیات‌ها، دشمن از منظر زمان و مکان عملیات غافلگیر شد، اما در عملیات بیت المقدس دشمن آگاه بود که ما می‌خواهیم پس از سه عملیات بزرگ سرنوشت‌ساز که به آزادسازی بخش اعظمی از

\* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

### موقعیت جغرافیایی منطقه عملیات

سرلشکر صفوی موقعیت جغرافیایی منطقه را این گونه توصیف کرد:

«موقعیت جغرافیایی منطقه مستطیلی شکل بود که چهار طرفش را آب (از شمال کرخه کور، شرق کارون، غرب هور و جنوب اروندرود) فرا گرفته بود و عبور از این آب و آزادسازی مناطق اشغالی و بازپس گیری خرمشهر مشکلات و مسائل فراوانی داشت.»

وی به نکته جالبی نیز در خصوص اهمیت منطقه عملیاتی بیت المقدس اشاره کرد و گفت: «پس از پایان جنگ، در همین منطقه ۸۰ میلیارد بشکه نفت کشف شد که اکنون مورد استفاده کشور است. ما نمی دانیم که آیا عراقی ها می دانستند در اینجا نفت هست یا خیر؟ برداشت من این است که انگلیسی ها [که پیش تر قیمومت عراق را بر عهده داشتند] می دانستند؛ و گرنه عراق هدف آن چنانی در اینجا نداشت.»

### سازمان قرارگاهی عملیات

سرلشکر صفوی سازمان قرارگاهی عملیات بیت المقدس را شامل قرارگاه مرکزی کربلا به فرماندهی مشترک محسن رضایی و شهید علی صیاد شیرازی، و ۲ ستاد سپاه و ارتش در قالب ۳ قرارگاه قدس، قرارگاه فتح و قرارگاه نصر عنوان کرد که در هر قرارگاه یکی از برادران سپاهی در کنار یکی از برادران ارتش به صورت مشترک به مدیریت عملیات پرداختند. مثلاً در قرارگاه نصر حسنی سعدی و حسن باقری و در قرارگاه فتح سرهنگ نیای و سردار رشید به انجام مأموریت محول شده می پرداختند. علاوه بر این سه قرارگاه، در قرارگاه چهارم با نام فجر نیز به عنوان قرارگاه احتیاط عملیات، سرهنگ ازگمی در کنار شهید مجید بقایای حضور داشت.

وی درباره چرایی انتقال تجارب فرماندهان دفاع مقدس گفت:

«شما این مطالب را در کتاب ها می توانید بخوانید، اما هیچ کجا از قلب منطقه عملیات [بیت المقدس] برای شما گفته نشده و [فقط] آمده است که چطور طرح ریزی و عملیات کردند. این وظیفه این بنده حقیر است که فهمم و تجربه خود را منتقل کنم.»

سرلشکر صفوی هدف این عملیات (۱۰ اردیبهشت تا سوم خرداد ۱۳۶۱) را که به فاصله یک ماه بعد از عملیات فتح المبین اجرا شد، آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه و انهدام دشمن برشمرده و نوع عملیات را گسترده دانست که به صورت مشترک بین ارتش و سپاه طراحی و اجرا شد.

### استعداد قوای خودی و قوای دشمن

سرلشکر صفوی با برشمردن استعداد قوای خودی (۱۳) تیپ به استعداد ۹۵ گردان از سپاه و ۳ لشکر زرهی و ۵ تیپ ارتش و دشمن (۶ زرهی و ۵ مکانیزه عراق که در این منطقه مستقر بود و لشکر ۳ و ۱۱ پیاده) در جریان عملیات، خاطر نشان کرد:

«خرمشهر برای صدام بسیار حائز اهمیت بود و وی برای این منطقه استراتژیک، پس از شروع عملیات بیت المقدس، به نیروهای پیشین خود در این منطقه لشکرهای ۹ و ۱۰ و ۱۲ زرهی و لشکر ۷ پیاده را به همراه ۱۲ تیپ مستقل افزود و علاوه بر اینها از استعداد ۵۳۰ قبضه توپخانه نیز برای ممانعت از پیشروی رزمندگان اسلام استفاده کرد. سپاه سوم عراق به فرماندهی ماهر عبدالرشید نیز در این منطقه مأموریت داشت.»



سردار سرلشکر سیدیچی رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران، اردوگاه میثاق آبادان، اردیبهشت ۱۳۹۵.

### مانور عملیات

که نیروهای ما می توانستند [پشت آن پناه گیرند] به مانند جاده‌ای بود که عراقی‌ها خاکریز بلندی بر آن زده بودند و یکی هم عارضه خط آهن بود. این مرحله از عملیات تا ۱۵ اردیبهشت طول کشید. در این منطقه تنها تیپ‌های ۴۱ ثارالله<sup>(ع)</sup> و ۳۱ عاشورا توانستند از کارون عبور کنند، اما یکی دو روز بیشتر دوام نیاوردند و عراقی‌ها آنها را عقب زدند. ما تقریباً اینجا و در مرحله اول عملیات متوقف شدیم.

در مرحله دوم عملیات که ساعت ۱۰:۳۶ دقیقه ۱۶ اردیبهشت شروع شد، مادر کمتر از دو روز به مرز بین‌المللی رسیدیم و به مرز چسبیدیم. عارضه بلند مرز هم مشخص بود که اینجا مرز بین‌المللی است. پس از چسبیدن ما به مرز، لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی احساس کردند که ما می‌خواهیم از این منطقه به سمت بصره حرکت کنیم و عقبه آنها را ببندیم و محاصره کنیم. سپاه سوم عراق طرز فکرش این بود که ما در مرز متوقف نخواهیم شد و به سمت بصره حرکت کرده، این دو لشکر را هم محاصره

سرلشکر صفوی پس از تشریح عملیات بیت المقدس، به چهار مرحله اجرای عملیات برای دانشجویان پرداخت و اظهار کرد:

«پس از عملیات فتح‌المبین نیروها به خانه‌هایشان رفتند، اما فرماندهان ماندند و مشغول طرح‌ریزی عملیات شدند. دو ستاد یکی برای ارتش و یکی برای سپاه بود. طرح ارتش شمال به جنوب بود، اما طرح ما عبور از سمت رودخانه کارون و حمله به قلب منطقه بود. در نهایت نیز طرح سپاه پذیرفته شد. ما عملیات را در چهار مرحله طرح‌ریزی کردیم. اولین مرحله عملیات ساعت ۵۵ دقیقه بامداد ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ با عبور قرارگاه‌های فتح و نصر از رودخانه کارون و قرارگاه فتح از رودخانه کرخه آغاز شد. این عبور به مسافت ۲۵ کیلومتر و در زمان شب انجام می‌شد و در دشت صافی بود که دشمن در مقابل قرار داشت و می‌توانست نیروهای ما را درو کند. تنها عارضه‌ای

می‌کنیم. در این مرحله بود که عراق به لشکرهای ۵ و ۶ زرهی خود دستور عقب‌نشینی داد و قرارگاه قدس ما به تعقیب آنها پرداخت. درگیری‌ها خیلی جزئی بود.»

صفوی این نکته را نیز یادآور شد که سپاه در این عملیات هنوز تیپ داشت و پس از عملیات رمضان این تیپ‌ها به لشکر تبدیل شدند. البته وی این نکته را نیز تذکر داد که این تیپ‌ها با تیپ‌های ارتش اشتباه گرفته نشود چراکه "تیپ‌های ما ۸ گردان، ۱۰ گردان، ۱۲ گردان و بیشتر داشت."

سرلشکر صفوی در تشریح نحوه اجرای مرحله سوم و چهارم عملیات بیت‌المقدس گفت:

«مرحله سوم عملیات از ۱۹ اردیبهشت شروع شد و ما با چرخش از گرای ۲۷۰ درجه به ۱۸۰ درجه، به سمت جنوب منطقه یعنی به سمت خرمشهر رفتیم. بین رفتن به تنومه عراق یا خرمشهر، آزادسازی خرمشهر، هم‌مأموریت ما و هم خواست مردم بود. مردم مدام از وضعیت خرمشهر و زمان آزادسازی آن می‌پرسیدند. خطوط پدافندی و نیروهای عراق هم به شدت مقاومت کردند و ما تا روز اول خرداد یعنی ۱۱ روز در این مرحله متوقف شدیم. این مرحله جنگ سختی بود و تلفات زیادی هم دادیم.

در مرحله چهارم عملیات که از ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه

من و شهید صیاد شیرازی برای توجیه فرماندهان لشکر به قرارگاه نصر آمدیم. صیاد شیرازی فرمانده لشکرهای ارتش را توجیه کردند که خط حد خود را بشناسند و آنها گفتند چشم قربان، اطاعت می‌کنیم. ما وقتی خط حد‌ها را توجیه کردیم، اول از همه حاج احمد متوسلیمان اعتراض کرد و گفت این چه مسخره‌بازی است، من قبول ندارم، این طرح غلط است.

### نتایج عملیات

سرلشکر صفوی پیروزی عملیات بیت‌المقدس را حاصل عنایت و لطف الهی دانست و با برشمردن مصادیق نصرت الهی به خصوص انداختن رعب الهی در دل دشمنان، در بیان نتایج عملیات گفت:

فرمودند "خرمشهر را خدا آزاد کرد".

من در حال رفتن به سمت خرمشهر بودم که یک جوان بسیجی لاغر را دیدم که گردنش هم بلند بود و کلاه آهنی اش لقلق می خورد. صدتا اسیر عراقی را که پیراهنشان را هم در آورده بودند با خود می برد، اسلحه کلاشینکف را هم محکم به سینه اش چسبانده بود. من به بازوی یکی از اسرای عراقی نگاه کردم، دیدم از گردن این بسیجی ما کلفت تر است! گفتم خدایا چه شجاعت و شهامتی را در

وجود این بسیجی لاغر با این کلاه گذاشته ای؟ اینها واقعاً نصرت الهی بود.»

#### از بین رفتن خستگی نیروها با لبخند امام

سرلشکر صفوی خنده و شادی امام را پس از پیروزی ایران در عملیات بیت المقدس، عامل بیرون رفتن خستگی از تن رزمندگان دانست و اظهار کرد: «ما رسیدن به خرمشهر

در حال رفتن به سمت خرمشهر بودم که یک جوان بسیجی لاغر را دیدم که گردنش هم بلند بود و کلاه آهنی اش لقلق می خورد. صدتا اسیر عراقی را که پیراهنشان را هم در آورده بودند با خود می برد، من به بازوی یکی از اسرای عراقی نگاه کردم، دیدم از گردن این بسیجی ما کلفت تر است!

را به حاج سید احمد آقا خبر دادیم و ایشان به امام<sup>(۵)</sup> گزارش داد و سپس پشت تلفن آمد و گفت امام خندیدند. ما خنده و خوشحالی امام را به همه یگان ها اعلام کردیم و خبر شادی امام خستگی را از تن نیروها به در کرد. در این علمیات، آیت الله صدوقی و آیت الله مشکینی امام جمعه یزد، به قرارگاه آمدند و رمز عملیات (یا علی ابن ابی طالب<sup>(۶)</sup>) را خواندند. حضور این بزرگواران واقعاً قوت قلبی برای رزمندگان بود.»

دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در

«در این منطقه بیش از ۵۰۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد و به نوار مرز بین المللی رسیدیم. ما فقط در حدفاصل طلائی تا بالای هویزه که نوار مرزی ما در هور بود به مرز نرسیدیم، ولی از طلائی تا کوشک خط نوار مرزی را تصرف کردیم. همچنین ۱۹۰۰۰ اسیر از عراق گرفته شد که بیشتر آنها یعنی حدود ۱۰۰۰۰ اسیر در خود خرمشهر بودند. صدام در فاصله مرحله سوم و چهارم عملیات بیت المقدس، تبلیغات وسیعی شروع کرد و خبرنگاران را به خرمشهر آورد و گفت ببینید ایرانی ها می گویند خرمشهر را گرفته ایم، ببینید خرمشهر دست خود ماست. درست هم می گفت و ما در مرحله سوم هنوز به خرمشهر نرسیده بودیم. صدام واقعاً نمی خواست خرمشهر را از دست بدهد و به همین دلیل ۱۰۰۰۰ نیرو در آنجا مستقر کرده بود. صدام در حال ساخت پل روی جزایر برای تأمین عقبه ارتشش در شلمچه بود، اما ما به او فرصت ندادیم. به همین دلیل آمار اسرای این کشور در عملیات بیت المقدس زیاد بود.»

ما در بین مرحله سوم و چهارم عملیات، یک عملیات روانی را هم شروع کردیم. بلندگوهای بزرگی گذاشته بودیم که عراقی ها را به تسلیم دعوت می کردیم و این اقدام تأثیر زیادی در روحیه نیروهای عراقی داشت. در این حین، اتفاقات دیگری [هم افتاد]، مثلاً فرمانده عراقی به نام سرهنگ زیدان روی همان میدان مینی که خودشان کار گذاشته بودند رفت و تکه پاره شد، یا بسیجی ها یک هلیکوپتر عراقی را با آرپی. جی زدند و هلیکوپتر آتش گرفت و دور که می خورد سقوط کرد. روحیه عراقی ها به طور کامل متزلزل شد و برای فرار شروع کردند خودشان را در رودخانه انداختند و تعداد زیادی از آنها غرق شدند. ما واقعاً نصرت الهی را در شکل رعب الهی که خدا در دل آنها انداخت شاهد بودیم؛ آن چیزی که حضرت امام<sup>(۵)</sup>

«ما جنگ منظم [یا کلاسیک] با عراقی‌ها نکردیم و اگر چنین جنگی می‌کردیم شکست می‌خوردیم. ما جنگ انقلابی را که تئوری‌اش را خود شهید حسن باقری داده بود انجام دادیم. جنگ منظم می‌گوید که درمقابل یک لشکر زرهی دشمن شما باید دو لشکر و درمقابل یک تیپ، دو تیپ داشته باشید. ما به‌عنوان سپاه، جنگی انقلابی را طرح‌ریزی و اجرا کردیم.

در رابطه با جنگ آینده و نیابتی اگر فرض را بر این بگیریم که چنانچه بخواهد جنگ نامنظمی علیه کشورمان شکل بگیرد، جنگ‌های آینده علیه ایران جنگ‌های هواییه و دریاییه خواهد بود؛ یعنی از خلیج فارس و دریای عمان با حملات هوایی و موشکی شروع خواهد شد. اینکه دشمن بخواهد سرزمینی از ما را تصرف کند و وارد جنگ زمینی با ما شود، مگر در مناطق خاصی مانند جزایر سه‌گانه، کمتر قابل تصور است. به نظر من، جنگ زمینی با توجه به شرایط جنگ‌ها چندان علیه کشورمان قابل فرض نیست. امریکایی‌ها پس از شکست در افغانستان و عراق، در استراتژی نظامی ۲۰۱۲ خود نوشته‌اند که دیگر هیچ‌گاه جنگی همچون جنگ‌های افغانستان و عراق نخواهیم کرد و به‌صورت ائتلاف وارد می‌شویم. بنابراین، ما کمتر جنگ زمینی را علیه خودمان پیش‌بینی می‌کنیم و به نظر می‌آید جنگ آینده [علیه ما] جنگ هواییه و دریاییه است.»

وی با اشاره به احتمال جنگ‌های نیابتی علیه جمهوری اسلامی ایران، درخصوص نحوه مقابله با این جنگ‌ها اظهار کرد:

«درباره جنگ‌های نیابتی باید همه فرضیات را بررسی کنیم تا شرایط مواجهه با آنها را بدانیم. اول از همه اینکه در اجرای عدالت اجتماعی، توسعه اجتماعی و رفاهی و رسیدگی به مناطق محروم مانند سیستان

پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان درخصوص ویژگی‌ها و مصادیق غافلگیری عراق در عملیات بیت المقدس با علم به آگاهی دشمن از مکان عملیات، گفت:

«دشمن در زمان و سرعت عمل عملیات غافلگیر شد. دشمن در عملیات بیت المقدس آگاه بود که ما پس از فتح‌المبین قصد آزادسازی بقیه مناطق اشغالی را داریم، اما توقع دشمن این بود که پس از فتح‌المبین حداقل نیاز به ۳ ماه بازسازی داریم و به این زودی وارد عمل نخواهیم شد. همچنین دشمن از نظر عملیاتی نمی‌دانست ما چطور می‌خواهیم این کار را انجام دهیم. تصور ارتش عراق این بود که به‌مانند نبرد هویزه در ابتدای جنگ، محور حمله، شمال به جنوب (حمله از شمال) خواهد بود، اما ما طرح‌ریزی‌مان را در یک مرحله با عبور از رودخانه و رسیدن به جاده خرمشهر قرار داده بودیم. عراق عبور از جاده خرمشهر به مرز بین‌المللی را به‌هیچ‌وجه تصور نمی‌کرد. بنابراین، ۱. ما زمان را از عراق گرفتیم و سرعت عمل خود را بالا بردیم و ۲ ماه زودتر عملیات را شروع کردیم. ۲. عراق متوجه طرح‌ریزی عملیاتی ما نشد و در تشخیص تاکتیک‌های ما نیز در این عملیات ناتوان نشان داد.»

سرلشکر صفوی همچنین در پاسخ به این سؤال سنجیده و مهم یکی از دانشجویان که پرسید: «از تجربیات دفاع مقدس به‌عنوان یک جنگ منظم، برای مبارزه با جنگ‌های نامنظم و ناهم‌تراز آینده و همچنین جنگ‌های نیابتی چگونه می‌توان استفاده کرد؟»، توجه به نوع جنگ آینده از منظر هواییه، زمین‌پایه، یا دریاییه بودن و "توسعه و گسترش عدالت اجتماعی" و "کاهش فقر و جهل" را عوامل مهمی در راستای مقابله با این جنگ‌ها دانست و خاطر نشان کرد:



سردار سرلشکر سیدیچی رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران، اردوگاه میثاق آبادان، اردیبهشت ۱۳۹۵.

و بلوچستان، خوزستان و سایر مناطق بکوشیم و "فقر" و "جهل" را که دو عامل سربازگیری بیگانگان است، کاهش دهیم و از بین ببریم. این کار، کار دولت است، اما سپاهیان ما هم می‌توانند تاندازه‌ای در این امر مؤثر باشند. قرارگاه قدس از زمان آقای شوشتری تا حالا کارهای زیادی در این خصوص انجام داده است. بنده نیز می‌خواهم به حضرت آقا پیشنهاد بدهم که همه یگان‌های قدیمی که در خوزستان جنگیدند، به هر کدام از مناطقی که عقبه آنها بوده بیانند و به بازسازی و کمک به مردم روستاها و شهرها بپردازند و مردم این مناطق را یاری کنند.

بحث بعدی این است که ما باید بعد از کار کاهش فقر و جهل و توسعه عدالت اجتماعی، در خصوص قومیت‌ها و مذاهب، کار فرهنگی خوبی انجام دهیم و رضایت مردم را به دست بیاوریم. ما باید در این مناطق نیروهای مردمی و بسیجی از گُرد گرفته تا بلوچ و... به‌مانند سیستان و

بلوچستان که ۴۰ هزار نیروی بلوچ داریم یا قرارگاه حمزه در شمال غرب که ۳۰ هزار نیروی مردمی دارد، ساماندهی کنیم و روی حس وطن‌پرستی و غیرت ملی کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و... به‌عنوان اقوامی که از اقوام اصیل و اولیه آریایی ایران‌اند سرمایه‌گذاری کنیم و به فرهنگ آنها توجه کنیم. چون در این مناطق، قبایل اهمیت زیادی دارند، ما باید به سران قبایل توجه کنیم و برخورد هایمان طوری باشد که رضایت را ایجاد کنیم.

در کل، ما اگر قدرتمند باشیم و این قدرت ما برخاسته از رضایتمندی مردم از حاکمان و دولتمردانمان باشد، به سمت و سوی جنگ‌های نیابتی نخواهیم رفت. ولی اگر ضعیف شدیم این مشکلات برای ما به وجود خواهد آمد.»

سرلشکر صفوی در پاسخ به این سؤال که «اجرای عملیات مشترک توسط ارتش و سپاه چه تأثیری در پیروزی عملیات‌ها داشته است و چرا این همکاری تا

تشریح کلیات عملیات بیتالمقدس												

آخر جنگ ادامه نیافت؟» فرایند فرماندهی جنگ را داستان مفصلی دانست و یادآور شد:

«ما ۴ فرایند داشتیم. از شروع جنگ در شهریور ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ فرماندهی همه جبهه‌ها برعهده ارتش بود و سپاه هیچ‌گونه فرماندهی نداشت. عملیات‌هایی هم که اجرا شد، اکثراً ناموفق بود. بالای این فرایند بنی‌صدر و ستاد مشترک ارتش و نیروی زمینی بود. سپاه در فاصله این یک سال بیش از ۳۰ مورد عملیات محدود اجرا کرد. یکی از این عملیات‌ها، عملیات "فرمانده کل قوا خمینی روح خدا" در جبهه دارخوین بود که ما با ۳۴۰ نفر به لشکر ۳ زرهی عراق حمله و حدود ۳ کیلومتر پیشروی کردیم. عراقی‌ها ۸ شبانه‌روز حمله کردند، ولی ما توانستیم منطقه را حفظ کنیم. عملیات حضرت مهدی (عج) در سوسنگرد نیز به همین صورت بود. بنابراین، در یک سال اول فرایند فرماندهی، مال ارتش بود.

از مهر سال ۱۳۶۰ و عملیات شکستن حصر آبادان (ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup>) تا عملیات بدر، با ارتش عملیات‌های مشترک داشتیم.

از سال ۱۳۶۳ بنا به تدبیر آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی سیاسی جنگ، قرار شد ارتش و سپاه به‌صورت جداگانه عملیات کنند، اما به هم کمک برسانند.»

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هفتم □ تابستان و پاییز ۱۳۹۵												
										۱۰۰		